



معنا و قلمرو روش تفسیر قرآن

از آغاز دوره تفسیر نگاری تاکنون، تفاسیری با رویکردهای گوناگون بر قرآن نوشته شده است. به جز قرآنی‌ها، ابراز شده در این تفاسیر، آن چه می‌تواند نقطه افتراق مفسران یا یکدیگر باشند بحث پیشینی روش‌های تفسیری است. روش‌های تفسیری - چنان که در این مقاله به آن اشاره شده است - برای مفسر هم طریقت دارد و هم موضوع عیت. معنا، ضرورت و علل پیدایش روش‌های تفسیری در این مقاله کاویده شده است.

سید یاقوت میر عبداللہی روش تفسیری چیست؟

تفسیر متعدد قرآن نشان می‌دهد که هر یک از مفسران قرآن را از منظری خاص و دیدگاهی محدود تفسیر کرده است. یعنی مفاهیم قرآن را بر اساس بینش خود که از ما یک‌پارگی پیش نیست مفهوم کرده و توضیح دهنده برخی تنها به توضیح ادبیات بلاغت و ایجاد لفظی و نحوی قرآن بسنده کرده اند. گروهی به دلیل تلقی خاطر شخصی پایه تناسب اختلافات روزگار خود توضیح و توصیف مباحث عقلی فلسفی و کلامی قرآن را وجه همت خود کردند و در این میدان قرآن را امر که آرای گوناگون و گاه متضاد خود ساختند. گروه دیگری از لعل تفسیر نیز به ایجاد تفهیمی اخلاقی، عرفانی و علاقه نشان دادند.

منظور ما از روش تفسیری، این نوع اختلافها در تفسیر قرآن نیست. چرا که این‌ها همه محصول اختلاف در تکرش به مفاهیم است نه اختلاف در کیفیت و راهبرد استخراج معنی و مقاصد قرآن. در بحث از روش‌های تفسیری، پرداختن به مباحثی نظیر آنچه آمده نه مفید است و نه مربوط. روش‌های تفسیری در واقع از مبدای نخستین هر نوع پژوهش تفسیری است. یعنی مفسر در آغاز باید معلوم کند که به گونه‌ای اصولی چه معنا (روش) را از برنمای استخراج مفاهیم عقلی، نقلی، علمی، کلامی، فلسفی و عرفانی قرآن قرار داده است. اما اهتمام و توجه مفسر به یک بعد از بعد معارف قرآنی و تصرف از دیگر جنبه‌ها در هر حال بعد مطرح است. بنابراین اختلاف در گرایش‌های علمی مفسران، ربطی به روش‌های تفسیری ندارد و در واقع از اوصاف عرضی تفسیر است.

از همین جا معلوم می‌شود که بعضی تفسیربندی‌ها مثل تحت عنوان نظام تفسیر که مبنای آن همان گرایش‌های علمی مفسران بوده است بسیار گنجر روش‌های تفسیر قرآن نیست. مثلاً یکی از نویسندگان بر اساس سابقه خود روش‌های تفسیر قرآن را در سه دسته هر شیء، «مجاز» و «مستوع» خلاصه کرده است و نوع اول را شامل تفسیر لغوی، اجنبی، موسوعی و تفسیر قرآن به قرآن دانسته. نوع دوم را شامل تفسیر چندی، کلامی، فلسفی، عرفانی و علمی، و نوع سوم را نیز شامل تفسیر و مزی صوفیانه باطنی و شیوه تفسیر به رأی دانسته است.

اینک به یک نمونه دیگر از تفسیربندی تفسیر آیه اشاره می‌کنیم تا نشان دهیم این تفاسیربندی‌ها که ریشه در گرایش‌های علمی دارد و به محتوای تفسیر مربوط است یا بحث روش تفسیری ربط و تعلق ندارد. طبری در یک تفاسیربندی تفسیری در بحثی با عنوان «التولفی» او جوه انسی می‌قبلیها بوسیله الی معرفه تاویل القرآن» تفسیر را به سه دسته تقسیم می‌کند:

1. تفسیر بیری که جز با بیان رسول خدا (ص) ما را به تاویل قرآن باز نمی‌رساند.
 2. تفسیری که تنها علم (تاویل) الهی را به حقیقت آن می‌برد.
 3. تفسیری که هر آنگاه به لغت و زبان عرب آن را در می‌یابد.
- می‌بینیم که این تفسیربندی، تقسیم‌بندی انواع تفسیر و روش‌های

آن نیست. بلکه تسلسل به نوعی تفسیربندی آیه است. لحاظ پیچیدگی ظواهر آن‌ها دارد قرآن پژوهان دیگر نیز به این تفسیربندی‌های استحصالی و ذوقی اشاره کرده اند.

معیار این نوع تفسیربندی‌ها در واقع همان محتوای تفاسیر و مطالبی است که مفسران آن‌ها را به عنوان آرا و اقوال تفسیری در آثار خود گرد آورده اند. اما سخن در این است که معیار مفسر در استخراج و فهم این مطالب از قرآن و نیز مبنا و روشی که بر اساس آن نکات عقلی، نقلی، علمی، فلسفی و عرفانی قرآن استخراج کرده است. چه است همین جاست که سخن از روش‌های تفسیری به مبنای یا مبدای تفسیر مفهوم روش تفسیری» در آغاز باید به مفهوم لغوی و اصطلاحی «روش» اشاره کنیم. «روش» (تهدج، منهج) در لغت به معنای راه روشن و آشکاره آمده است. در منابع لغوی عرب نیز

چنین می‌خوانیم: تهج، طریق تهج بین واضح - و سبیل منهج کنهج و منهج الطریق و وضوح و التهدج للطریق وضوح و استبان و صلی نهجا و اوضاحا بیتکه.

در تفسیر اصطلاحی «روش» (منهج) نیز چنین آورده اند: هر امری است روشن برای تفسیر از چیزی یا انجام دادن کاری یا یادگیری چیزی بر اساس مبنای و نظامی معین و معلوم به قصد رسیدن به غایتی معین و معلوم.

اینک به این توضیح‌ها می‌توانیم «روش تفسیری» را چنین تعریف کنیم: روش تفسیری، مستند یا مستنداتی است که مفسر بر اساس آن، ایده و مفهومی را که خود ساخته و پرداخته است به عنوان تفسیر و مفهومی کلام الهی معرفی می‌کند و برای کشف معنی از الفاظ قرآن ربط الفاظ به یکدیگر و نیز برای کشف دلالات و احکام قرآنی از آن مستند یا مستندات پیروی می‌کند. ناگفته نماند که هر مفسر روش‌ها و مبنای دیگر را برای رسیدن به مقاصد قرآن ناگفته می‌گذرد و یا آن‌ها را در خود می‌شمارد.

روش برای مفسر، هم طریقت دارد و هم موضوع عیت. طریقت دارد زیرا در واقع انتخاب روش خاص برای تفسیر، او را مستعد به پیروی از همان طریقه و سبک کار کردن، ملاحظاتی و اندیشه‌ها با روش برگزیده می‌کند و نیز همین روش است که چارچوب نظری موضوع پژوهش را برای رسیدن به نتیجه مطلوب در اختیار او قرار می‌دهد و نیز موضوع عیت دارد. چرا که انتخاب هر روش تفسیری به رویکرد فکری، فرهنگی، دینی و ملاحظاتی فردی او مربوط است و به قولی از آن‌ها نشأت می‌گیرد. پس روش هم شکل کار و ماده فعالیت مفسر را معلوم می‌کند و هم تا کنون‌های نشاکر تفکرات و آرای تفسیری او است.

خو تا تاریخ تفسیر به خوبی شاهد رویکردهای مختلف تفسیری هستیم. مثلاً گروهی در تفسیر کلمات الهی، دست عقل و رای را بسته دیده اند و آن را در شمار تفسیر به «ظن» - که نامش از راه و به تعبیر قرآنی «قول به غیر علم» است - به حساب آورده اند (تفسیر مائور) گروهی نیز به عقل میدان داده اند. این‌ها همه - چنان که گفتیم - به اوضاع و احوال شکنی (روش) تفسیر، بلکه به رویکردها (اجتهادات) مربوط می‌شود. چرا که روش هر مفسر همیشه یکی است. در حالی که این رویکردها حتی در خرون خود نیز گوناگون می‌شوند. مثلاً در رویکردهای نوین به تفسیر قرآن در عصر (مثلاً عبیده زین‌العابدین و حامد دیوبند ز معاصران) با نوعی برخورد ادبی یا قرآنی مواجهیم که بر اساس آن، قرآن پیش از آن که معنی دینی باشد، نصی ادبی و زیبایی است. در داخل همین رویکردها به قرآن نیز سلیقه‌های چند گونه و مختلفی را می‌بینیم. رویکرد لغوی - بیانی در نزد بنت الشاطی، رویکرد تطبیقی ذوقی در نزد سید قطب و رویکردی که امین الخولبی به قرآن دارد این اختلافها گله به گونه‌ای است که مشکل می‌توان رویکرد برخی تفسیر قدیم و جدید را به وضوح معلوم کرد و صحت مبنای و اندیشه‌های غالب آن‌ها را به دست آورد. در این حالت این نوع تفسیر، گویی موسوعه‌هایی تفسیری است که از هر نوع روش و رویکرد قرآنی، بخشی را در خود گرد آورده اند.

بیان این توضیح به این منظور بود که بگوییم «روش» در مقایسه با آنچه آن را می‌ویزد که نامیدیم از این جهت متفاوت است که هر یک در علم است و «روش» خاص و دینی هر مفسر روش خاص خود را دارد و ممکن است مفسرانی باشند که رویکرد واحدی به قرآن داشته باشند (نمونه پیش گفته) اما در لای روش‌های متفاوت باشند. هر یک در تفسیر «عبارت تفسیر» مجموعه‌ای از مبنای و اندیشه‌های تفسیر شده که چارچوبی نظری آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. هدف این مبنای رسیدن به نتیجه‌های معلوم است. اما روش تفسیری «عبارت است از لایزای که

هدف ما را در رویکردی تفسیری محقق می‌سازد و نیز در حکم طرفی است که تمیذها و خرون مایه‌های رویکرد ما را در خود جای داده است. روش‌های جدید در تفسیر قرآن می‌توانند به پدید آمدن رویکردهای جدیدی باری رسانند.

آچرا باید درباره روش‌های تفسیری بحث کرد؟

بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) و قیامی در متن یا در حواشی اسلام پدید آمد که به ظهور فرقه‌ها و مکاتب گوناگون انجامید. این فرقه‌ها که همه به اسم اسلام عمل می‌کردند، برداشت‌های مختلفی از اصول و فروع دین ارائه می‌دادند. از این رو، قرآن نیز که منبع اصیل فکری و اعتقادی این فرقه‌ها و مکاتب بود، روش‌ها و گرایش‌های گوناگونی در تفسیر به وجود آمد. برخی از علل گوناگونی این روش‌ها به تنوع در اختلاف در فهم ما مربوط است و برخی نیز ناشی از اختلاف در تکرش این مکتب‌هاست. بحث درباره این روش‌های تفسیری می‌تواند این آرا و افکار را معرفی کند. مباحث در بحث از روش‌های تفسیری ناچار از توقف در برخی لغزهای مهم و چند گونه علم قرآنی هستیم که تأمل در آن‌ها چارچوب فکری و اعتقادی هر فرقه و مکتب را معلوم می‌کند. مثلاً در معرفی روش تفسیری هر مفسر باید به این مباحث بپردازد: منابع تفسیری، تأثیر پذیری‌ها از تفسیرهای دیگران، اوضاع و احوال فکری روزگار، دوره، دخالت دادن یا ندادن آموزه‌های اصیل در تفسیر، بر آن از رهگذر بررسی روش از حیث و فائلی به آن و -

از سوی دیگر توجه به برخی نصوص اسلامی نشان می‌دهد که لایه بعضی برداشت‌های قرآنی، ممکن است راهی به شناخت حقیقی قرآن نبرد این خصوصاً که برخی یافته‌ها را به صراحت محکوم می‌کند و آن‌ها را مردود می‌شمارد. بحث درباره روش تفسیری می‌تواند این خطر گله‌ها را معرفی کند. مثلاً در حدیثی مشهور از پیامبر اسلام (ص) چنین می‌خوانیم: «من فسر القرآن برآه فلیتوه مقننه من النار» (چرا که آن کس که در فهم قرآن، تفسیر به رأی کند در دوزخ است) بحث درباره روش‌های تفسیری - به معنایی که گفتیم - می‌تواند حدود و تنوع ایده‌های را که به تفسیر به رأی» معروف است در ما معلوم کند تا هم دچار آن نشویم و هم در شناسایی و نقد آن در دست عمل کنیم.

حوامل دیگری نیز هست که همه اینها ضرورت بحث درباره روش‌های تفسیری است. به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

1. اخفم مشابیهات و حتی محکمت قرآن که قرآن، خود به وجود آن‌ها در آیات الهی تصریح کرده است. «هنه آیات محکمت و آخر مشابیهات» (آل عمران 77)

2. وجود اختلاف نظر ها در فهم معنی و مقاصد آیات به دلیل ذوق جوه بودن آن‌ها در سخنی از ام‌المؤمنین (ع) چنین آمده است: «فران افتقران حمل ذوق جوه» (تهج کیلا غننه 77)

3. در قرآن به تعبیر در آیات الهی تأکید و توصیه شده است: «فلا یتدبرون القرآن ام علی قلوبهم اغفلوا» (محمد 24) بدست که مطلقه کتب تفسیر با عنایت به روش‌ها که ما را در راهی به اساس کلی مفسر پاری می‌دهد می‌تواند زمینه‌ساز تفسیر باشد.

4. برای فهم قرآن به دوری از «گفتار به غیر علم» درباره آیات امر شده است. «ولا تلقوا بها لیس لک به علم» (نساء 24). با آگاهی از روش‌های تفسیری می‌توان میزان پایبندی مفسران به روش‌های صحیح را معلوم کرده و پی برد که کدام یک از آرای تفسیری، خراج از عیاطه و قول به غیر علم است.

شدر قرآن، بیان و تفسیر قرآن به پیامبر (ص) ارجاع داده شده است. «ولم یزل الیک الذکر لئین للناس ما نزل الیه» (تحتل 24) و اگر معتقد باشیم که تفسیر در دست و بی‌شایه قرآن با استناد از قول پیامبر (ص) ممکن است. که چنین نیز هست. در این صورت، با شناسایی روش‌های تفسیری می‌توانیم روش‌های مخالف را روش نبوی را از راهی کنیم.

معلوم است که ما در عمل به موارد بالا و نیز در هر نوع شناخت، به روش مناسب ویژه همان مورد نیاز شدیم. فهم درست مشابیهات قرآن، اتخاذ موضع صحیح در مقابل جوه مختلف معنی آیه‌ها تفسیر در قرآن که نتیجه آن راه یافتن به کرته‌های معنوی قرآن است و نیز موارد دیگر، همه و همه در سایه پژوهش‌های روشمند قرآنی» ممکن است. همچنین اگر هنگامی خورد با آرای اهل تفسیر در همه این موارد روش پژوهش آن‌ها را ببینیم، بهتر می‌توانیم در مقام دوری از تفسیرهای آنان براهیم.

پیش از این گفتیم که روش تفسیری «را نباید با مفاهیمی چون مفاهیم تفسیری» به وجود تفسیر» رویکردهای تفسیری» و سلاقیه کرد. همچنین گفتیم که همین گرایش‌های علمی و سلیقه‌هاست که مذاهب مختلف تفسیری را پدید آورده است و معلوم است که هر یک از این مذاهب تفسیری، بر خاسته از روش مخصوصی است که معتقدان به آن روش‌های دیگر را در فهم قرآن بر خود یا ناگفته دانسته اند.

اینک باید توجه کنیم که آنگاه فهرستی از روش‌های تفسیری به این معنای است که هر یک از این روش‌ها در واقع به مذهب تفسیری خاصی نظر دارند. مثلاً روش تفسیر مائور نشان می‌دهد که معتقدان به این

روش تفسیری بر اساس چه شیوه‌های روایات و آیات قرآن تطبیق می‌دهند در کجا از حدیث استفاده تفسیری می‌کرده‌اند و در کجا نه، آیا در نظر ایشان حدیث مفاد آیات را توضیح می‌دهد یا تقویت می‌کند و می‌بینیم که حتی برای ارگانه فهرستی کلی از روش‌های تفسیری به ناچار از این توضیح هستیم که «روش» یا «مذهب» یا «رویکرد تفسیری» متفاوت است.

برخی از صاحب‌نظران، این تفاوت میان روش‌ها و رویکردها را به خوبی بیان کرده‌اند و پژوهش‌های قرآنی خود را بر این اساس سازمان داده‌اند. برای نمونه بخشی از نگاه‌هاست استاد معرفت را در این جا می‌آوریم. ایشان در این باره از سخن علاوه بر یادآوری این تفاوت و نیز اشاراتی به علل اختلاف رویکردهای مفسران، همچنین روش‌های تفسیری را در دو عنوان کلی «فلسفی» و «اجتهادی» آورده‌اند و نوه‌تعداد «اما روش‌های تفسیری که مفسر در تفسیر خود به آن توجه دارد و از آن پیروی می‌کند بر حسب حساب اختلاف رویکردها و ذوق مفسران و نیز بر حسب داده‌های علمی، معرفتی و گونه‌های مختلف قرآن مختلف است. گروهی از ایشان با راز «حق» قرآن نمی‌نهند و چنین معتقدند که «حق» را نمی‌توان تفسیر کرد. گروهی نیز در خفا عقل را در تفسیر قرآن جایز می‌شمارند و لبراز رأی و نظر و اجتهاد را دارای قنونی گسترده در تفسیر قرآن می‌دانند. قرآن نیز می‌فرماید: «فلا یستبرون القرآن ام علی قلوب اقیالها» (محمد ۲۴) و نیز می‌فرماید: «هو انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون» (تیس ۲۴) تفسیر در قرآن و تفکر درباره آیات و مفاهیم آن‌ها دارای گستره‌ای وسیع است که قرآن خود با این دو آیه به آن دعوت کرده است. اگر چه برخی در برخورد عقلی با قرآن و تفریط را پیموده‌اند و چه پستان را با توهم‌های تکلف‌آمیز درمی‌نمایند، در هر صورت روشی که مفسران بر طبق آن سلوک کرده‌اند یا «عقلی» است یا «اجتهادی». مبنای روش عقلی تکیه بر آرا و اقوال مأثور است که گاه با توضیح و تبیین همراه است. مانند روشی که طبری در تفسیر خود بر گرفته است. و با فقط به نقل بسنده می‌شود مانند روش تفسیری جلال‌الدین سیوطی و چرانی. مبنای روش نظری - اجتهادی در تفسیر قرآن نیز با فقط بر رای خاص استوار است که بر خاسته از عقیده و مذهب مفسر است (مانند بیشتر تفاسیر اهل باطن) و یا مبتنی بر مجموعه‌ای از مصادر معتول و منقول در تفسیر است.

۳. چرا روش‌های گوناگون تفسیری به وجود آمده؟

بررسی تاریخ تفسیر و تاریخ تطور پژوهش‌های تفسیری نشان می‌دهد که از زمان حیات پیامبر تا عصر جدید دوران‌هایی بر قرآن گذاشته است و اندیشه‌ها فرقه‌ها مذاهب و منابع گوناگون فکری هر یک خود را بر قرآن عرضه کرده‌اند و چنین بوده است که در طول سالیان، فهم‌های انسانی فراز و نشیب‌های بسیاری را در ساحت قرآن کریم به خود دیده است. از این رهگذر، قرآن هم مورد دستبرد قرار گرفته است و هم در سایه تلاش‌های برخی از اهل تفسیر، افق نو‌نمایی از جهان معنویت قرآنی بر چشم‌انداز دین و دنیای مردمان گشوده است.

پدیدگی و دراز دامنی این مباحث نشانگر این است که پدید آمدن روش‌های گوناگون در تفسیر قرآن نیز خود معلول مجموعه در هم تنیده‌ای از علل و عوامل است. درباره علل اختلاف در فهم‌های تفسیری از قرآن، که چنان که پیش از این گفتیم برخاسته از اختلاف در روش‌هاست. می‌توان به دو گونه بحث کرد: یکی «تاریخی (توصیفی)» و دیگری گونه‌ای که می‌توان آن را «تحلیلی» نامید. در گونه تاریخی، این اختلاف‌ها را به مثابه پدیده‌هایی تاریخی می‌نگریم که در زمان و چینه‌های مشخص ظهور کرده‌اند. خصالت فطری پدیده‌های تاریخی نیز چنین است که تنها در چینه‌های فکری و فرهنگی و ساختی زمان خود قابل طرح‌اند. احوال تفسیری در این گونه از بحث در طول تاریخ بر آمده‌اند و معانی زمانی و تاریخی خود را عرضه کرده و رفتند در این نوع بررسی ما با انگیزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و سلیق فردی اهل تفسیر نیز سروکار داریم و همچنین حوادثی را که در روزگار حیات علمی مفسران رخ نموده‌اند. کاوش می‌کنیم بیشتر پژوهش‌های قرآنی که به بررسی علل و اسباب اختلاف مفسران می‌پردازند چنین شیوه‌ای را می‌گویند. این منابع، تاریخ تطور تفسیر را معمولاً به گونه‌ای نامیده‌اند که با ترتیب تاریخی آن سازگار است. شیوه این صاحب‌نظران مثلا در میان تاریخچه تحول تفسیر به گونه فهرست‌وار چنین است: «تفسیر در زمان حیات پیامبر (ص)» - «تفسیر در زمان صحابه» - «تفسیر در زمان تابعین» - «تفسیر در عصر تنوین» در خلال هر یک از این دوران‌ها حوادثی در سیر تاریخ به وقوع پیوسته است (مثلا پیدایش مذاهب مختلف که ظهور در گیری‌های فکری از نتایج اجتناب‌ناپذیر آن بوده است) که پیدایش آرا و اقوال رنگارنگ و گاه متضاد را در تفسیر قرآن موجب شده است.

شیوه دیگر برای بحث درباره علل اختلاف روش‌های تفسیری، شیوه به اصطلاح «تحلیلی» است. پژوهشگر در این شیوه نه به حوادث

تاریخی، بلکه به عواملی نظر دارد که به خود قرآن مربوط است. برخلاف مثلاً بررسی اوضاع و احوال و وضعیت‌های تاریخی که مربوط به چوالب و حواشی قرآن و تفسیر است. برای نمونه در این شیوه می‌توانیم از موارد زیر به عنوان عوامل اختلاف روش‌های تفسیری نام ببریم:

۱. افتد اعتماد به آراء ادیبی و بلاغی خاص، مثلاً در مباحث نظیر تعبیر حقیقت و معجزه، عموم و خصوص، اطلاق و تقیید و اجمال و بیان

۲. اختلاف در معیارهای نقد و سندی روایات (مثلاً در روش تفسیر مأثور)

۳. اختلاف در معیارهای نقد متن روایات (مثلاً در روش تفسیر وجود ندارد) (مثلاً در روش تفسیر مأثور)

۴. اختلاف مفسران در فهم قضایای عقلی (مثلاً در روش تفسیر عقلی) و نیز اختلاف در فهم تشابهات در قرآن.

۵. مانع‌گام بیان دو شیوه فوق‌بسی بحث درباره علل اختلاف در روش‌های تفسیری، به بخشی از این عوامل اشاره کردیم. اینک چند عامل مهم دیگر را مرور می‌کنیم:

۱. ورود علوم و معارف جدید به جامعه اسلامی: این عامل البته مربوط به دورهای متأخر (عصر جدید) در تفسیر قرآن کریم است. تا قبل از ورود اندیشه‌های جدید به جهان اسلام، روش مرسوم به تفسیر علمی که کار نبود. این اقتضالات جدید در حوزه تمدن اسلامی بود که چنین روش‌هایی را در تفسیر قرآن پدید آورد. مسلمانان دوره معاصر، ناگهان خود را با آلتیوهی از یافته‌های علمی و معرفتی روبه‌رو دیدند. در این میان، مصلحان مسلمان که هم‌عقب‌ماندگی جامعه اسلامی از لافقه فکر و فرهنگ جدید را می‌دیدند و هم برای درمان آن، صلابت بازگشت به قرآن را سر می‌دانند، دست به کار برقراری نوعی سازگاری میان معارف قرآنی و علوم جدید شدند و همین شد که اینک با دانش‌هایی از کلام الهی و علوم جدید که در صدد برقراری چنان سازگاری است هم در نوع قرآنی و مرده آن (مثلاً تفسیر القرآن و الهادی و القرآن) از سید احمدخان هندی) و هم نوع ملازم آن مانند برخی از پارهای تفسیر «المنازل».

۲. اصالت دادن به عقل و اعتقاد جا‌بیمارانه به رأی: ایده تفسیر به رأی که از لحاظ تاریخی در مقابل روش تفسیر مأثور مطرح است به این دلیل که روایات و نصوص بسیاری در رد و تقبیح آن وارد شده، در نظر اهل تفسیر، روشی مذموم در تفسیر قرآن تلقی شده است. بررسی تاریخی این ایده معلوم می‌کند که از سوی برخی مفسران ساخته یا بداند. گرفتار این روش شدند و از سوی دیگر، همه مفسران خود را از تهمت انتساب به این روش میرا دانستند. شاید به همین دلیل است که برخی در معنای تفسیر به رأی دچار مناقش و اختلاف شده‌اند اما بر حسب آنچه برخی از اهل نظر گفته‌اند معنای تفسیر به رأی کاملاً معلوم است. تعیین مفهوم تفسیر به رأی بر دو نکته استوار است: یکی این که گروهی آیه‌ای را دستنویز خود قرار دهند و یا تکیه بر آن آیه‌های را که ساخته و پرداخته ذهن ایشان است بر قرآن تطبیق دهند. در این حالت قرآن به عنوان ابزار برای اثبات مقصود در نظر گرفته شده است و اساساً قصد تفسیر قرآن در میان نیست. تعبیری که در حدیث نبوی پیش گفته صورت گرفته است نیز ظاهر اشاره به همین معنای تفسیر به رأی دارد.

۳. زکن دیگر در تبیین مفهوم تفسیر به رأی، همان استبداد رأی در تفسیر قرآن و اجتناب عمدی از روش عقلان در فهم معنای کلام الهی است. برای دستیابی به مقاصد آیات و معانی وجود دارد که از جمله آن‌ها رجوع به سخن سابقه توجه به روایات وارد شده درباره آیات توجه به اهل نزول است و معلوم است که فرو گفتن همه این‌ها و فقط اعتماد به فهمی خاص، باطن‌فقه عقلان سازگار نیست.

۴. از آن جا که منابع تفسیری در روش تفسیر به رأی، مربوط به بیرون از قرآن و سنت بوده است، برداشت‌ها و روش‌های گوناگون در تفسیر پدید آمده است. این روش گاه راه «تأویل» می‌برد و گاه به استحسان‌های بی‌جای عقلی و به قول بعضی به هوا و هوس منجر می‌شود و گاه نیز - چنان که علامه طباطبائی آورده است - باعث می‌شود که تلاش مفسر در فهم کلام الهی نه به «تفسیر» که به «تطبیق» بینجامد.

۵. همه این عوامل باعث پیدایش رویکردها و برداشت‌های مختلفی از قرآن شده است که مجموع آن‌ها را می‌توان در روش مرسوم به «تفسیر به رأی» دید. این روش، خود به گونه‌های مختلف در تاریخ تفسیر نمود یافته است. یعنی مفسری که به این روش پایبند بوده است، گاه در تفسیر قرآن رأی عقلی خود را در کار می‌کرده است. گاه رأی اجتماعی و یاد دیگر آرا و اقوال را پس می‌بینیم که برخی از اهل تفسیر بنابر سلیق و گرایش‌های علمی و فردی خود با استناد به رأی و نظری خود ساخته چهار آرا و اقوال گوناگونی را در تفسیر پدید آورده‌اند.

۶. اختلاف فهم‌ها و گرایش‌های علمی، یکی دیگر از عوامل گوناگونی و اختلاف روش‌های تفسیری به دانش و تخصصی مربوط می‌شود که مفسران از آن برخوردار بوده‌اند. این اختلاف دانش‌ها، فهم‌های جدیدی را در عرصه تفسیر پدید می‌آورده است و معلوم است

که قواعد و مکاتب‌های دلالت در هر نوع دانش و فهم، مختلف است. همین فهم‌های برخاسته از دانش‌های مختلف است که تصورات و تصدیقات قرآنی را سازمان داده و به وجود آورده است.

۷. مفسران همگی معتقد بوده‌اند که قرآن خطایی است به همه انسان‌ها و در همه زمان‌ها قرآن متنی آسمانی است. امامی توان درباره محتوای آن با استناد به فهم‌های بشری سخن گفت و با استفاده از روش‌های تفسیری به جهان معاصر آن نزدیک شد. در عمل تفسیر، تردیدی در حضور قاطع دانش‌های فقهی نیست. این دانش‌ها و گرایش‌ها فضای از فاصله را پیرامون ذهن مفسر به وجود می‌آورد که مفسر در آن پایه لحاظ بهره‌گیری از روش خاصی در تفسیر قرآن - که برآمده از دانش لوست (فقه، عرفان، فلسفه و...) - پایه لحاظ تعلق خاطر شخصی، تفسیر متفاوتی از قرآن را ارائه می‌دهد (تفسیر فقهی، تفسیر عرفانی، تفسیر فلسفی و...) می‌بینیم که مثلاً اختلاف در طم کلام و فقه در مبادی مسائل و موضوعات، چنان است که متکلم و فقیه را در دو ساحت جداگانه تفسیری می‌باشد. هر یک از این دو بنابر اختلاف در روش خود، طریقه‌های جدا از تفسیر قرآن بر می‌گزینند. یکی روش فقهی و دیگری روش کلامی را.

۸. اسرار آیه‌ها و اسرار آیات در اصطلاح عبارت است از اساطیر کهن که اساس آن‌ها به مصادر یهودی و نصرانی بازمی‌گردد. همچنین می‌توان گفت اسرار آیه‌ها و اساطیر به گونه‌هایی روایت شده از منابع اسرائیلی (یهودی) هستند که سلسله سند قسه یا اسطوره در آن‌ها به همان مراجع یهودی می‌رسد. برخی پژوهشگران از باب توسعه در معنای اسرار آیه‌ها و اسرار آیات، آن را همچنین شامل مفاهیم و موضوعاتی دانسته‌اند که بخدا و خواهران اسلام پیوند یافته‌اند. آن‌ها را به دسیسه علیه تفسیر و حدیث به کار بسته‌اند. این مفاهیم به هیچ منبع کهنی مستند نیستند و تنها ساخته و پرداخته پدخوانان برای تیراخی اعتقاد مسلمان است.

۹. وجود اسرار آیه‌ها و اسرار آیات در تفسیر قرآن البته به سلسله تعامل فرهنگی میان اهل کتاب و اعراب جاهلی بازمی‌گردد. اما مسلمانان مخصوصاً پس از مرگ رسول خلاص و غفلت از حقایق حقیقی قرآن یعنی اسامان معصوم (ع) و اصحاب برجسته پیامبر به دلیل مواجهه با برخی پرسش‌ها و ابهامات در باب آیات قرآن، به آثار و نگاشته‌های اهل کتاب مراجعه کردند. موضوع این مراجعت البته بیشتر به روایات (تصنی) قرآنی مربوط می‌شده است. مثالی نظیر: تعداد اصحاب کفنه مشخصات ظاهری کشتی نوح، ماجرای خلقت آدم و حوا، قسه حضرت یوسف و... این مراجعت همه به رغم تپه‌های صریحی بود که رسول خلاص، اسامان معصوم (ع) و نیز اصحاب پیامبر از توجه به اخبار اهل کتاب داشتند.

۱۰. انتشار این آثار و نگاشته‌ها در جامعه اسلامی، در دسترس بودن آن‌ها و نیز - چنان که اشاره کردیم - وجود پیشینه‌های از نذ و سند و فرهنگی میان یهودیان و اعراب جاهلی، باعث بروز آرای مختلف در تفسیر کلام الهی شد. گروهی این روش را مردود شمرند و با استناد به نصوص مربوط به نهی بهره‌گیری از این روش، آن را باطل دانستند. گروهی دیگر به دلیل ایجاز و گزیده‌گویی قرآن کریم درباره موضوعاتی نظیر موضوعات پیش گفته از یک سو و نیز به دلیل کج‌تکوازی کوش گره‌ها از سوی دیگر در پی یافتن جزئیات مسائل و بی بردن به نکات ریز برخی مفاهیم قرآن، در صدد جست‌وجو در منابع غیر اسلامی (یهودی) برآمدند. هر حال ایس فکلیس فرهنگ دینی یهودی و نصرانی در تفسیر مأثور موجب پدید آمدن گونه‌های مختلف بر خورد با قرآن شد و روش‌های تفسیری را شاخه شاخه کرد.

۱۱. یا نوشت‌ها

۱. نگاه کنیده محمدحسین علی الصغیر الممبادی، العلمة لتفسیر القرآن للکریم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۱۲ هـ. ۷۲.
۲. جامع البیان عن تاویل آی القرآن، تحقیق محمود محمدشاکر، دار المسرفه، ۱۳۱۱ هـ. ۷۲.
۳. آری نمونه‌ها کنیده، مزیلفی، منهل العرفان فی علوم القرآن، موسسه التاریخ العربی، ج ۱، ۲۷۸.
۴. محمدمنین فرهنگ فارسی، ج ۲، ۴۸۲.
۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ۲۰.
۶. تفسیر فی مناهج المفسرین، طارقهضی، ۱۳.
۷. جواهر التوازی، ج ۱، ۱۰۲.
۸. معرقت محمدصادق، تفسیر و مفسرون فی توبه التفسیر، ج ۱، ۱۰۹.
۹. همان ج ۱، ۴۹.
۱۰. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ۱۰۶.
۱۱. میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ۶.
۱۲. محمدحسین لذهبی، اسرار آیه‌ها و اسرار آیات فی التفسیر و احادیث مکتبه وهب، ج ۲، ۷۲.
۱۳. التفسیر و مفسرون، ج ۲، ۷۹.

قرآن خطابی است به همه انسان‌ها و در همه زمان‌ها. متنی آسمانی است، اما می‌توان درباره محتوای آن با استناد به فهم‌های بشری سخن گفت

